



هر وقت تعداد تماشاگرها و درآمد اقتصادی سریال‌ها به حد راضی‌کننده‌ای نرسد، پرونده آن سریال برای همیشه بسته خواهد شد. به همین سادگی و صراحت!

دلیل معمولاً تصمیم برای ادامه سریال پس از پایان سریال گرفته می‌شود. در نتیجه معمولاً فصل‌های بعدی با همان عوامل و بازیگران و مضمون‌های مشابه ساخته می‌شود. در نتیجه این سریال‌ها از نظر قصه و شخصیت‌پردازی به تکرار می‌افتد و با خاطره‌ای نه چندان خوش در ذهن مخاطبان به کار خود پایان می‌دهد. مثلاً فقط کافی است فصل‌های بعدی «زیر آسمان شهر»، «خوش رکاب»، «در حاشیه» و... را به یاد آورید.

این «پایتخت»‌های جذاب

یکی دیگر از ویژگی‌های دنباله‌سازی در سریال‌های ایرانی، برگزاری اکثر اتفاقات قصه در مکان‌های فیلمبرداری محدود و ثابت است. ویژگی‌ای که از تنوع‌های مضمونی و بصری سریال جلوگیری می‌کند. به‌طور طبیعی در سریال‌های خارجی هم این محدودیت وجود دارد اما در این شرایط، توانایی قصه‌پردازی برای ایجاد جذابیت نقش پررنگی پیدا می‌کند؛ به این معنا که قصه‌های بین شخصیت‌ها و روابط درون آن فضای محدود، باید جذابیت و کشش بیشتری داشته باشد. در این موضوع اکثر سریال‌های دنباله‌دار خارجی به دلایل مختلف، مانند قدرت بیشتر تخیل‌پردازی، نداشتن محدودیت‌های موضوعی و شکلی مختلف و... عملکرد موفق‌تری نسبت به نسخه‌های ایرانی دارند. دنباله‌سازی سریال‌ها یک موضوع کاملاً تاکتیکی و تکنیکی است.

گره‌افکنی و گره‌گشایی‌های مناسب و جذاب داستانی، عطف‌های درست و از پیش طراحی شده، پرکشش بودن درام و بزنگاه‌ها، نقطه‌های اوج و فرود مناسب و... باید از قبل طراحی شده باشند. باید از همان نقطه صفر طرح پیش‌بینی کرد که فصل دوم و فصل‌های بعدی از کجا آغاز خواهند شد و به کجا خواهند رسید. برای نمونه به «پایتخت» نگاه کنید؛ در اکثر فصل‌ها ظرفیت‌های قصه‌پردازی، شخصیت‌پردازی‌های جذاب و قابل تعقیب و طراحی درام پرکشش حیات جاودانه و باکیفیت این سریال برای تولید در فصل‌های بعدی را تضمین کرده است.

دخل و خرج‌های حیاتی

یکی دیگر از تفاوت‌های نسخه‌های ایرانی و دیگران، فرآیند شکل‌گیری طرح‌ها و پخش آنهاست. اکثر سریال‌های دنباله‌دار خارجی در شبکه‌های کابلی و تلویزیون‌های تعاملی و اینترنتی ساخته می‌شود و بازگشت سرمایه و سود اقتصادی اهمیت زیادی برای آنها دارد. به خاطر همین معمولاً براساس قصه و شخصیت‌ها، برندسازی انجام و از آن کسب درآمد می‌شود. هرگاه این معادلات اقتصادی به هم بخورد، سرنوشت این سریال دگرگون می‌شود. با این نگاه، مخاطب‌شناسی، رصد جریان‌ات و التهابات اجتماعی، زمان پخش سریال و... اهمیت فوق‌العاده زیادی پیدا می‌کند. اعداد و ارقام دخل و خرج، مسائلی کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری نیستند. در واقع قانون عرضه و تقاضای بازار برقرار است. فقط مطالبه تماشاگران اعداد ۲ و ۳ و بیشتر را جلوی اسم سریال قرار می‌دهد. بله، هر وقت تعداد تماشاگرها و درآمد اقتصادی سریال‌ها به حد راضی‌کننده‌ای نرسد، پرونده آن سریال برای همیشه بسته خواهد شد. به همین سادگی و صراحت! در ایران به دلیل تفاوت ساختارهای رسانه‌ای سریال‌ها با دردهای خیلی کمتری به فصل‌های بعدی می‌رسند اما با نیم‌نگاهی به شکل جریان‌های روز دنیا می‌توان کیفیت تولید سریال‌های ایرانی را دوچندان کرد.

یکی دیگر از مکانیزم‌های منطقی و سنت‌های مرسوم تلویزیون‌های خارجی، استفاده از ساختن یک یا چند قسمت آزمایشی برای سنجش ظرفیت‌های مختلف یک سریال است. ما هم می‌توانیم از این راه ساده استفاده کنیم تا دیگر سریال‌های در حال پخش و هنوز بازخورد نگرفته، در حال ساختن فصل‌های بعدی نباشند! از طرفی وجود یک نظام نظرسنجی دقیق برای دریافت نظرات مردمی، می‌تواند ارزیابی مناسبی برای ادامه سریال‌ها باشد. به هر حال، به دلایلی که ذکرش رفت، به نظر می‌رسد برای موفقیت بیشتر در دنباله‌سازی سریال‌ها، با نگاهی دوباره به اصول دراماتیک و چرخه تولید دنباله‌سازی در دنیا می‌توان به اوضاع فعلی سرو سامان داد و به موفقیت رسید؛ وگرنه اگر قرار بر افزایش بی‌دلیل شماره‌های یک سریال باشد، حکم همان است که جناب مولوی گفت: «خلق را تقلیدشان بر باد داد!»



مزد ترس

سریال‌های ایرانی و خارجی چطور به فصل‌های بعدی می‌رسند؟

دنباله‌دارهای خوب چه ویژگی‌هایی دارند و نگرانی نسبت به حفظ مخاطب چطور به آنها کمک می‌کند؟

۱۷ سال پیش، در فصل سوم «زیر آسمان شهر»، اکبر عبدی به ترکیب حمید لولایی و مهران غفوریان اضافه شد تا موفقیت فصل اول سریال را تکرار کنند اما در میانه سریال از ادامه بازی انصراف داد. چند روز بعد او در گفت‌وگویی از مردم عذرخواهی کرد: «بازی در طنزهای شبانه یک بار برای من اتفاق افتاد که به خاطر آن از مردم و همه کسانی که به مقوله هنر پررنگ نگاه می‌کنند، عذرخواهی می‌کنم.» وقتی از دلایل این ناراحتی و پشیمانی پرسیدند، جواب داد: «فیلمنامه کارهای روتین باید از قبل نوشته شود؛ چرا که همه آنها پس از ۱۳ قسمت اول به مشکل کمبود سوژه برخورد می‌کنند و مجبور به تکرار خودشان می‌شوند. وضعیت «زیر آسمان شهر» هم همین‌طور بود. بنابراین قرار بود تا ۶۰ قسمت با این سریال همکاری کنم اما فقط در ۳۸ قسمت بازی کردم.» در هنوز بر همان پاشنه می‌چرخد.

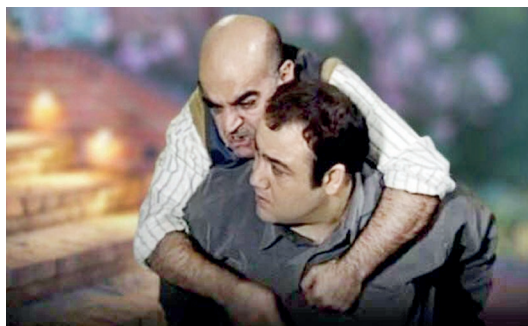
هنوز چالش‌های دنباله‌سازی سریال‌ها با همان قوت و حتی سخت‌تر و پیچیده‌تر برقرار است. اینجا یک دور تند مولفه‌های موفقیت‌ها و شکست‌های دنباله‌سازی سریال‌های ایرانی و خارجی را مرور کرده‌ایم. رازهای ساختن فصل‌های بعدی یک سریال خوب را.

علی سیف‌الهی
روزنامه‌نگار

«آیین» تا «ستایش»..

همان همیشگی!

یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های دنباله‌سازی در تلویزیون ایران با اکثر طرح‌های شبکه‌های تلویزیونی دنیا، برنامه‌ریزی برای



ادامه سریال در قالب فصل‌های بعدی است. یک نقشه راه کاربردی. در اکثر کشورها به‌خاطر برنامه‌ریزی دقیق برای ساخت فصل‌های بعدی - در صورت اقبال مخاطبان - از ابتدا ظرفیت‌های قابل گسترش قصه و جزئیات شخصیت‌پردازی‌ها در فصل‌های آینده را پیش‌بینی می‌کنند اما در اکثر طرح‌های دنباله‌دار ایرانی، هر فصل آغاز، میانه و پایان مشخص و کاملی دارد. به همین

تاریخچه دنباله‌سازی یک اثر نمایشی، پیش از سریال‌های تلویزیونی، به سینما برمی‌گردد؛ به دورانی که گاهی فیلم‌ها بر اساس داستان‌های اصلی و فرعی ادامه پیدا می‌کردند و گاهی شخصیت‌های فیلم‌های موفق، در قصه‌های دیگری به حیات خودشان روی پرده ادامه می‌دادند. دلیل اکثر این دنباله‌سازی‌ها محدودیت دکور، بازیگران و عوامل، فضا و... در اوایل پیدایش سینما در دنیا بود. با شروع ساخت سریال‌ها از سال ۱۹۵۳، دنباله‌سازی‌ها به دنیای سریال‌های تلویزیونی هم سرایت کرد و از سینما سبقت گرفت. «دود اسلحه» یکی از اولین سریال‌های طولانی تاریخ تلویزیون بود که بیش از ۲۰ سال ادامه داشت. یک سریال وسترن از شبکه تلویزیونی CBS آمریکا، از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵. از همان سال‌ها تلویزیون‌های دنیا به فکر ادامه سریال‌ها با استفاده از فرمول‌های مشخص و جواب‌پس‌گرفته افتادند. ایده‌ای که تلویزیون ایران هم از روزگار پخش هفتگی سریال‌ها تا همین شب‌ها از آن استفاده کرد. از

